



سخنی با کپاها" به شعور ملت توهین نکنید"

Posted on ۱۳۹۹/۱۲/۰۹



سیف الله یزدانی

یک آقای کیا یعنی آقا ابراهیم حاتمی کیا دست به سخن و قلم خوبی دارد، که این روزها مانند آن مداح محترم که از وقتی احساس کرد جمعیت پامنبریش زیاد شده ، شان مداحی اهل بیت را برای خودش کم دید و خودش را "هادی" قلمداد کرد، ظاهرا ایشان هم خودش را "میزان" فرهنگ و سینما تلقی کرده و صغیر و کبیر را زیر تیغ ممیزی با شاخص های ذهنی خود می برد.

و به قول تحلیل نویسان سیاسی" در همین راستا" حسابی از خجالت سینما گر روشنفکر بین المللی کشور یعنی آن یکی کیا یعنی "عباس کیا رستمی" در آمده است.

خوب حاتمی کیا هم یار شهید اهل قلم آوینی بزرگ بوده و هم کلی جایزه از جشنواره های وطنی درو کرده و ما نمی توانیم بگوییم: چرا این روزها این قدر "میزان" و "شاخص" شده ای؟ باز خدا پدر ایشان را بیامرزد که در روزهای سخت قد کشیده است.

البته کیارستمی هم که خود را شاخص نوگرایی و روشنفکری سینمای ایران می داند و از نگاه هم مسلکانش" هر چه آن خسرو کند شیرین بود" است، یک جایی یک حرفایی متقابلا زده ، که دکتر ایوبی ، معاون محترم سینمایی وزارت ارشاد می فرمایند: منظورش چیز دیگری بوده است .

فلذا به احترام دکتر ایوبی هم که شده باید بگوییم این چیزی که ما می فهمیم نبوده است!

خوب ایشان هم که وجهه بین المللی دارد و توی این بازار آشفته بازسازی چهره بین المللی فرهنگی کشور نباید برخوردی بشود

که به تیریح قبایش بر خورد و خدای نکرده جهانیان ما را به خاطر بد رفتاری با یک فیلم ساز جهانی تقبیح کنند.

گرچه گویا کیارستمی نمیداند که اولین فیلم قابل اعتنای حاتمی کیا در جشنواره فجر سال 1367 ارائه شده ، که 7 ماه بعد از جنگ است و ایشان نمی توانسته ما را برای تلف شدن تحریک کند.

ما که حق نداریم بگویم ضوابط حاکم بر فیلم سازی آقای حاتمی کیا چیست که محصولش می شود فیلم "چ" که حتی نامی از قهرمان شکست حصر پاوه یعنی یعنی خانم دباغ و هم چنین گروه ضربت کرمانشاه برده نمی شود. حتی ما که نباید بپرسیم نتیجه پیش تحقیقاتتان برای ساختن فیلم "چ" در پاوه و کرمانشاه به کجا رسید؟

به هر حال زندگی خرج دارد، همین قدر که اهل سیاست وطنی خرج ادم در بیاید ، جای شکر دارد.

ما که حق نداریم از آقای کیا رستمی بپرسیم : آخر مگر شما برای چشاندن طعم شیرین گیلان به عنوان انگیزه ای برای خوب زندگی کردن این مردم ، فیلم نمی سازید؟ آیا در دوران فیلمسازی و درو کردن جوایز جشنواره های بین المللی ، هیچ اتفاقی از مردم انقلاب کرده ، یا مدافعین ایران بزرگ، توجه شما را به عنوان سوژه فیلم جلب نکرده است؟ مثلا مثل "رونوشت برا بر اصل" و یا "مثل یک عاشق" که ماشالا چون بین المللی شده اید دیگر برای ملل دیگر ساخته اید.

اما به عنوان یک شهروند و مصرف کننده محصولات هنری شما دو بزرگوار - با همه احترامی که به هر دو قایلیم- حق دارم بگویم ، خودتان را و هنرتان را در حد و جایگاه واقعی خودش ببینید و فکر نکنید ما و کارکرد هایمان محصول تربیت ناشی از دیدن آثار شماست.

شاید مثل ها و مثال ها و تکیه کلام هایی از آثارتان بین جوان ها به کار گرفته شود، که در این زمینه گنج قارون و قیصر آمار بهتری دارند. اما هیچکدام فرهنگ ساز نیستید و از این بابت نه منتهی بر گردنمان دارید و نه بدهکارید!

فیلم های دیدنی و مسئولانه ای در حد خودتان ساختید و از بسیاری از گیشه ای سازان بهترید. اما یادتان باشد که سینما گرید و طی 13 سال گذشته جمعیت سینما برو از سالیانه 55 میلیون نفر به 13 میلیون نفر تقلیل پیدا کرده و آب هم از آب تکان نخورده است.

آقایان کیا ها ! ما و جوانان ما آنقدر شعور دارند که برای انتخاب راه ، تکیه بر داستان های فیلم های شما و یا هر فیلم دیگری نکنند، اگر دوست دارید با هم زور آزمایی کنید لطفا شعور ملت را وجه المصالحه دعواهای خود قرار ندهید . برای ملت ما ، شما هر دو در حوزه خاص خودتان "هنرمندان" قابل احترامید.

شما بزرگواران که به عنوان هنرمند، دنبال نمایش توان هنری خود و گذران زندگی هایتان هستید، و ما هم نمیتوانیم و حق نداریم بپرسیم چرا؟ بهتر نیست در همان محدوده خودتان بحث کنید و ما را منتر و دست آموز خودتان فرض نکنید؟

همین و بس!